هو الابهی - ای ابراهيم سميّ خليل ربّ رحيم، همنام تو…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ١٣٧

### هو الابهی

ای ابراهيم سميّ خليل ربّ رحيم، همنام تو چون در ستاره آسمان نظر نمود به جهت تنبيه قوم خويش که عقيدت حقيقت تأثير اجرام سماويّه داشتند هذا ربّی فرمود و چون افول کرد لا احبّ الآفلين گفت. پس طلوع ماه تابان شد باز به جهت ايقاظ غافلان هذا ربّی فرمود و چون غروب کرد لا احبّ الغاربين گفت. پس ظهور خورشيد رخشان گشت باز تنبيهاً للمحتجبين هذا ربّی فرمود و چون افول نمود باز لا احبّ الآفلين فرمود. پس چون کلّ حقائق امکانيّه را در ظهور تجلّيات شمس افق تقديس محو و فانی مشاهده کرد توجّه به منظر اکبر فرمود و گفت انّی وجّهت وجهی للّذی فطر السّموات و الارض حنيفاً مسلماً و ما انا من المشرکين. حال تو نيز به مبارکی همنامی آن بزرگوار چشم از جميع کواکب ليل و نهار بپوش و به آفتاب حقيقی کلمه الهيّه که از افق توحيد مشرق و لامعست توجّه فرما و آن کلمه جامعه اليوم امر جمال قدمست که محيط بر جهان آفرينش است و نورانيّت وجود به سطوع و ظهور و بروز آنست. اليوم جميع حقائق صافيه و کينونات مجرّده بمنزله بدور است که بايد اقتباس انوار از شمس امر الهی و کوکب لامع شريعة اللّه نمايند و آنچه تقابل بيشتر واقع انوار بيشتر لامع. اين فضل و موهبت که از افق توحيد ظاهر و باهر است قدرش را بايد دانست و حرزش بايد نمود. هر موسمی بهار نه و هر صبحدمی بوی نسيم مشکبار نه. پس تا جان باقی و جانان با موهبتی عظيمه ممدّ و معين بايد همّتی نمود تا نصيب اوفر برد و بهره اعظم گرفت. عبدالبهاء ع